

شب خامه

دزدی به بزرگی یکی بریتانیای کبیرا

حاشیه‌ای بر مسافرت انگلستان

■ استاد حسن عرفان

سفر به سرزمین چشم آبی‌ها

اولین کار در این سفرها گرفتن ویزاست. باید پاسپورت و دعوت‌نامه و مدارک دیگر را ببری سفارت انگلیس و بقیه دستورات را اجرا کنی و در نوبت گرفتن ویزا بمانی. سفارت انگلیس چندین هزار متر است و در جوار چند خیابان و همین مسأله تأمل برانگیز است. آن‌جا زمین‌های باغ قلهک است که دولت فخیمه بریتانیای کبیرا غاصبانه بر آن چنگ انداخته است و کانون هزاران توطئه‌سازی و شایعه‌پردازی و کودتا و براندازی در ایران بوده است.

اکنون به فهرستی از کارنامه سیاه انگلیس در مناسبات با ایران اشاره می‌شود:

۱. ایجاد تفرقه بین اقوام ایرانی و اقدامات تجزیه طلبانه

مثل تحمیل عهدنامه مارس ۱۸۵۷ مبنی بر تجزیه هرات و افغانستان از ایران. همیشه گفته‌اند تفرقه بینداز و حکومت کن. انگلیسی‌ها برای حفظ سلطه خویش این سیاست را به خوبی اجرا می‌کردند.

۲. ترور شخصیت چهره‌ها و نخبگان ایرانی

به آیت‌الله کاشانی گفتند: مردی جلوی خانه اجازه ورود می‌خواهد. ایشان اجازه دادند و مرد وارد شد گفت: آقا برای درمان می‌خواهم به خارج بروم آمده‌ام از شما عذرخواهی کنم. آیت‌الله گفته بود چرا از من؟ پاسخ داده بود: چون من از طرف دولت انگلیس پول می‌گرفتم برای این که در قهوه‌خانه‌ها بنشینم و بر ضد شما شایعه بسازم. آیت‌الله گفته بود: من حلال می‌کنم ولی معلوم نیست خدا ببخشد.

۳. جاسوس‌پروری

دولت انگلیس برای کسب اطلاعات محرمانه سیاسی، نظامی، اقتصادی و ترویج روح خیانت به ملت و مملکت، جاسوس‌پروری می‌کرد. در این باره داستان «اسرارخانه سهدان» جاسوس انگلیسی خواندنی است. این گزارش را نیز بخوانید. «در آن ایام سفارت انگلیس هنوز به جاسوسان ایرانی خود حقوق ماهیانه مرتب می‌داد و آنها را به چهار دسته تقسیم کرده بود حداقل حقوقشان ۲۵۰ تومان و حداکثرش هزار تومان بود که این خدمتگزاران سری هر ماهه از بانک شاهی دریافت می‌کردند.

بر خلاف این سی‌ساله اخیر که حقوق ماهیانه جاسوسان به صورت انعام موقت درآمد و کمپانی نفت سابق هر کس را که خدمت شایسته‌ای کرده بود، به آبادان دعوت می‌کرد و پس از پذیرایی شایان، یک جام زرین پر از لیله طلا که به اصطلاح «فول کاپ» می‌گفتند به خدمتگزاران صمیمی انعام می‌داد.»^۱ در ماده نهم فرمان ۲۰ ماده‌ای که پادشاه انگلیس به نماینده خود در ایران فرستاد آمده است: باید با تمام قوا کوشش نمایید از منابع مالی و نظامی دولت ایران اطلاعات دقیق و صحیحی به دست بیاورید. از شماره نفرت و دیسیپلین ارتش، از میزان و راه‌های وصول مالیات و عوارض در موقع صلح و جنگ، از هنرهای صنعتی و از سایر مطالبی که بتوان از روی آنها قضاوت صحیحی درباره اوضاع فعلی ایران بنمود ما را از طریق وزارت امور خارجه مطلع بنمایید.»^۲

انگلیس با نقشه اصلاحات
امیر کبیر در راه ترقی
اقتصادی و ایجاد صنعت
و پیشرفت قدرت نظامی
آشکارا به مخالفت
برخواست حتی نماینده آن
کوشید مدرسه دارالفنون
تعطیل گردد

۴. مهره‌سازی و کادرپردازی در نظام سیاسی ایران

ایجاد گروه‌های فراماسون در همین قلمرو بود. «استعمار پیر در ایران سابقه‌ای بس طولانی و تیره دارد بخشی از این پیشینه، آشکار و بخش مهمی مخفی است. اگر روزی بایگانی اسناد سرویس‌های مخفی انگلستان گشوده شود و جریان آزاد اطلاعات، تا حدی معنی و مفهوم واقعی خویش را باز یابد، آنگاه جهانیان به عمق جنایاتی که این دولت سلطه‌طلب در جای جای کره ارض مرتکب شده است پی خواهند برد هر چند مقدار موجود از اطلاعات نیز، طالبان حقیقت را بسنده می‌کند. اردشیرجی آن‌گونه که خود صریحاً در وصیت‌نامه سیاسی‌اش اعتراف کرده کسی است که رضاخان را برای انگلیسی‌ها کشف کرده است.»^۳

و در گزارشی دیگر چنین آمده است:

«نفوذ و حضور ماسون‌ها و تصاحب مناصب مهم مملکتی در دوره پهلوی آن چنان بالا گرفت که در سال ۱۳۵۱ هشت نفر از اعضای هیئت وزیران از جمله هویدا نخست‌وزیر، ۲۴ نفر از اعضای مجلس سنا که در رأس آنها جعفر شریف‌امامی قرار داشت، ۵۴ نفر از وکلای مجلس شورای ملی، ۲۴ نفر از اجزای وزارت خارجه اعم از وزیر (عباسعلی خلعتبری) و سفرا و مدیران کل، عضو لژهای فراماسونری و لژ بزرگ ایران بودند.»^۴

۵. عقب نگه داشتن ایران

دکتر فریدون آدمیت می‌نگارد «در هر کاری که سرمایه انگلیسی به کار افتاد کارش تقلب و حساب‌سازی بود، همیشه ایران را ناتوان و درمانده می‌خواست. هرگاه دولتی اصلاحگر چون دولت میرزا تقی‌خان با نقشه ترقی ملی روی کار آمد در اعدام آن کوشید... و همیشه علیه منافع و حقوق حاکمیت ایران در پی سازش و زد و بند سیاسی با روس بود. بله، در کشمکش با روس می‌خواست ایران به حالت کشور پوشالی وجود داشته باشد اما مستقل و آزاد و نیرومند و مترقی نباشد. در آغاز روابط جدید ایران و انگلیس سرگور اوزلی نوشت: از آن‌جا که هدف غائی ما حفظ متصرفاتمان در هندوستان می‌باشد به عقیده من بهتر این است که ایران را در حالت ناتوانی و وحشیگری کنونی خود بگذاریم نه این که سیاستی در یک جهت دیگر پیش گیریم.

به پیروی همان سیاست کلی بود که انگلیس با نقشه اصلاحات امیرکبیر در راه ترقی اقتصادی و ایجاد صنعت و پیشرفت قدرت نظامی آشکارا به مخالفت برخاست حتی نماینده آن کوشید مدرسه دارالفنون تعطیل گردد و استادان فرنگی آن را از ایران بیرون کنند و همان مأمور سیاسی در برهم زدن نقشه راه‌آه‌نی که ایران را به اروپا متصل می‌گردانید نوشت: مصلحت انگلیس در ویرانی و ناتوانی و فقر ایران است و هیچ تعهد اخلاقی هم ندارد که در تغییر آن وضع عمومی تلاشی بکند، به علاوه چه آن ابتدا و چه بعد از آن... هر وقت دولت ایران موضوع تضمین استقلال و همکاری دفاعی با انگلستان را مطرح ساخت دست رد به سینه آنها نهاد.»^۵

۶. غارت مواریت فرهنگی و آثار باستانی

در بند نهم و دهم از دستورالعملی که ژرژ سوم

(پادشاه انگلیس در زمان فتحعلی‌شاه) در ۱۳ ژوئیه ۱۸۱۰ میلادی برای وزیر مختار خود در ایران (سرگور اوزلی) نوشت - و عملاً دستورالعمل همه سفرای امپراتوری بریتانیا در کشورمان بود - وزیر مختار موظف به امور زیر شده است: گردآوری اطلاعات دقیق از اوضاع و احوال اقتصادی، نظامی و صنعتی ایران و آداب و رسوم و خلیات ایرانیان و حتی گیاهان و معادن و اطلاعات مختلف راجع به تاریخ طبیعی این سرزمین و همچنین نقشه‌برداری از ایالات و شهرها و بقایای آثار قدیمی ایران و برداشتن تصاویر از آثار باستانی و خریداری هرگونه کتب خطی و کمیاب فارسی و عربی در ایران به قیمت مناسب و ارسال آنها به بریتانیا جهت انتقال به موزه بزرگ لندن (بریتیش میوزیوم)^۶ گفتنی است در این دستورالعمل قید شده که از سوی دولت بریتانیا حدود ۶۰۰ پوند طلا معادل ۱۵۰ هزار تومان آن روز، بودجه و اعتبار در سال برای این کار در نظر گرفته شده است. آقای زندفرد (از کارمندان وزارت خارجه ایران در عصر پهلوی) می‌نویسد: «ضمن مطالعه در کتابخانه موزه بریتانیا کتبی را دیدم که آن زمان به قیمت ۵ تا ۱۰ تومان خریداری شده و نظائر آن کتاب در حراج‌های مهم به قیمت ۱۰ الی ۲۰ هزار پوند هر کدام به فروش رفته است، نمونه آن کتاب شیخ عطار می‌باشد که نظیر آن در کتابخانه موزه بریتانیا موجود است و در سال ۱۹۴۵ در حراج سودابی ۱۸۶۰۰ پوند فروش رفت.»^۷ هر کس از موزه‌های لندن دیدن کند به گستره غارت مواریت فرهنگی و آثار باستانی پی می‌برد.

پی‌نوشت

۱. رک: دست پنهان سیاست انگلیس در ایران، ص ۷۹.
۲. تاریخ تحولات سیاسی ایران، ص ۵۴۳.
۳. یاد ایام، شماره ۴۱، ۱۸ مهر ۱۳۸۷.
۴. اسناد مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، سند شماره ۱۷ - ۴۱۷، ص ۲۲.
۵. اندیشه ترقی و حکومت قانون، عصر سپهسالار، صص ۱۶۵ - ۱۶۴.
۶. تاریخ ایران دوره قاجاریه، گرنت واتسون، ترجمه ۴. وحید مازندرانی، ص ۱۵۶.
۷. سرگور اوزلی، فریدون زندفرد، ص ۲۶۵.

در سال ۱۳۵۱ هشت نفر از اعضای هیئت وزیران از جمله هویدا نخست‌وزیر، ۲۴ نفر از اعضای مجلس سنا که در رأس آنها جعفر شریف‌امامی قرار داشت، ۵۴ نفر از وکلای مجلس شورای ملی، ۲۴ نفر از اجزای وزارت خارجه اعم از وزیر (عباسعلی خلعتبری) و سفرا و مدیران کل، عضو لژهای فراماسونری و لژ بزرگ ایران بودند.

باید با تمام قوا کوشش نمایم از منابع مالی و نظامی دولت ایران اطلاعات دقیق و صحیحی به دست آوریم. از شماره نفرات و دیسپلین ارتش، از میزان و راه‌های وصول مالیات و عوارض در موقع صلح و جنگ، از هنرهای صنعتی

